

کارآفرینی و تعاونی زنان

فاطمه زارع^۱

مریم فرهادی^۲

چکیده

زنان حدود نیمی از جمعیت کشور را به خود اختصاص داده‌اند و نسبت آنان در جامعه تحصیل کرده، هم‌چنان رو به تزاید است، اما هنوز سهم شایسته‌ای در اقتصاد ملی به دست نیاورده‌اند.

جوان بودن ترکیب سنی، افزایش سهم حضور زنان در دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی و از طرفی پایین بودن نسبت نرخ فعالیت زنان، کمبود شغل و افزایش بیکاری، تصاویری را پیش‌رو قرار می‌دهد که دیگر نمی‌توان در سطح شعار و اندرز محدود شد.

شرط توسعه در دنیای پرشتاب کنونی استفاده از همه منابع موجود و توان افزایی کلیه ظرفیت‌های در اختیار است، انتخاب این مسیر مستلزم فراهم ساختن بستری است که امکان بروز و ظهور ابتکارات و تدابیر خلاقانه و فعالیتهای کارآفرینانه را فراهم سازد.

در این تحقیق ضمن بررسی اشتغال زنان ایران، موانع اشتغال زنان بررسی شده در میان موانع مطرح شده که اغلب جنبه بیرونی دارند، عدم وجود خودباوری و اعتماد به نفس در میان زنان مورد بررسی دقیق‌تری قرار گرفته و به عنوان یک راهکار فوری جهت تخفیف این مساله مشارکت زنان در قالب شرکتهای تعاونی پیشنهاد گردیده است.

^۱عضو هیات علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد بجنورد

^۲کارشناس ارشد کتابداری

زنان حدود نیمی از جمعیت کشور را به خود اختصاص داده‌اند و نسبت آنان در جامعه تحصیل کرده همچنان رو به تزاید است. اما هنوز سهم شایسته‌ای در اقتصاد ملی به دست نیاورده‌اند. به گونه‌ای که به دلیل پائین بودن نرخ مشارکت اشتغال زنان و فعالیتهای اقتصادی، حتی در میان ۵۰ کشور در حال توسعه، در دوره‌های آخر قرار دادیم.

جهان امروز، با تنشهای ناشی از بحران‌های اقتصادی، فرهنگی، قومی و سیاسی که خود را به صور گوناگون نشان می‌دهند، همراه است. در جوامعی که غلبه بر بحرانها، هدف سیاستگذاران است، توجه همه‌جانبه به نیروی کار زنان، البته لاجرم در دستور کار قرار می‌گیرد. زیرا در عمل ثابت شده است که بی‌اعتنایی به این نیرو بر شدت بحرانها افزوده است.

از سویی، شرط بقا در دنیای پرشتاب کنونی، استفاده از همه منابع موجود و توان افزایی کلیه ظرفیتهای در اختیار است و شایسته نیست که این نیمه جمعیتی کشور که می‌تواند نه تنها موضوع و هدف هر نوع توسعه‌ای قرار گیرند بلکه اهرم مؤثری در پیشبرد اهداف اقتصادی و اجتماعی نیز باشند. نیروی کار آنان خارج از اقتصاد قرار گیرد علی‌الخصوص نیروی کار بانوان متخصص.

در این میان شناخت توانمندیهای زنان و موانع اشتغال آنان و همچنین هدایت آنان به سوی تشکلهای مردمی که نقش کارآفرین را ایفا نمایند، می‌تواند در بهره برداری از ظرفیتهای این قشر عظیم اجتماعی مؤثر واقع شود.

به عبارتی شناسایی فوق می‌تواند در ایجاد فضای مناسب برای شکل‌گیری فعالیتهای کارآفرینانه توسط زنان علیرغم محدودیتهای فردی و محیطی مفید باشد.

نتایج این شناخت امکان مناسبی را برای برنامه‌ریزی در جهت بکارگیری ظرفیتهای کارآفرینی زنان و توسعه آن در سطح ملی فراهم خواهد ساخت و نیز

این امکان را به عناصر مؤثر در امر اشتغال خواهد داد تا در جهت اقدامات عملی و مؤثر نسبت به جذب و پرورش استعداد‌های بالقوه زنان کشور در زمینه ایجاد کسب و کارهای جدید با دید علمی برخورد کنند و در جستجو راه‌هایی برای توسعه کارآفرینی زنان همت گمارند.

لیکن نکته حائز اهمیت این جاست که به دلیل بقا در دنیای پرشتاب کنونی، مسأله اشتغال زنان در ایران به جهت شرایط فرهنگی و سنتی خود مسأله‌ای است که راه‌حلهای عاجل و زود هنگام می‌طلبد در این رابطه چه می‌توان کرد؟ مرور منابع و تحقیقات نشان می‌دهد که کارآفرینی و اشتغال زنان در قالب شرکتهای تعاونی می‌تواند در این زمینه راهگشا باشد.

موضوع تحقیق

تحقیق حاضر، از ورود به مسأله بسیار مهم، حساس و پیچیده اشتغال زنان به صورت خاصی پرداخته است. در این راستا به موانع اشتغال زنان در ایران پرداخته و در میان آن موانع، عدم وجود خودباوری در زنان را مورد موشکافی بیشتری قرار داده است.

مسائل مربوط تعاون و تعاونیهای زنان را با پرداختن به موضوع کارآفرینی و تشکیل تعاونیهای زنان جهت تقویت روحیه خودباور و از بین بردن موانع اشتغال زنان و همچنین مشارکت زنان در توسعه اقتصادی و اجتماعی زنان از دیگر موضوعات تحقیق به شمار می‌رود.

در این تحقیق، به شیوه کتابخانه‌ای موضوعات فوق‌الذکر به اجمال بررسی گردیده و ابتدا نقش زنان در توسعه ملی، وضعیت اشتغال زنان در بازار کار و سپس موانع اشتغال زنان مورد مطالعه عمیق‌تری قرار گرفته است در ادامه

کارآفرینی و تفاوت زنان کارآفرین با مردان کارآفرین و موانع کارآفرینی زنان و بطور خلاصه ترویج کارآفرینی زنان مورد بررسی قرار گرفته است. در فراز پایانی تحقیق، تعاونی‌ها و بالاخص تعاونی‌های زنان را به عنوان یک عامل تعدیل‌کننده موانع اشتغال زنان در جامعه مورد تحقیق قرار داده‌ایم.

بیان مسأله و ضرورت تحقیق

اشتغال و شاخص‌های مربوط به آن مبین کیفیت اقتصادی جمعیت است. چنانچه بسیاری از اندیشمندان توسعه و علوم اقتصادی شاخص اشتغال را نبض قابل سنجش میزان سلامت و رکورد و فلاکت اقتصادی جامعه قلمداد می‌کنند. مرور منابع نشان می‌دهد که از دیرباز تا گذشته‌ای نه چندان دور، اشتغال زنان از مسائلی بوده است که تنها هواداران حقوق زنان از جنبه‌های گوناگون به آن می‌پرداخته‌اند، ولی امروزه با تغییرات جمعیت‌شناختی، اجتماعی و اقتصادی که در هرم جمعیتی زنان رخ داده است، اشتغال زنان و رفع موانع تحقق آن تبدیل به یک ضرورت انکارناپذیر شده است و روز به روز به حساسیت آن افزوده می‌شود.

براساس تحقیقی که وزارت صنایع و معادن تحت عنوان استراتژی صنعتی ایران انجام داده است، بیانگر این مطلب می‌باشد که در سال ۱۳۸۵ نیروی کار زنان در ایران با مردان مساوی خواهد شد و در سال ۱۳۹۰ شمار زنان در عرصه نیروی کار ۱/۵ برابر مردان خواهد بود و دلالت بر نگرش نسبت به لزوم اشتغال زنان در کلیه عرصه‌های اقتصادی و فرهنگی و سیاسی و اجتماعی جامعه، کاملاً محسوس می‌باشد.

از سویی، یکی از مسائلی که لزوم پرداختن به اشتغال زنان را مطرح م‌سازد، فزونی گرفتن تعداد دانشجویان دختر به نسبت دانشجویان پسر و مالا نسبت فارغ‌التحصیلان و متخصصین زن نسبت به مردان می‌باشد.

مقایسه آمار سالهای ۱۳۷۵ تا ۱۳۸۲ نشان می‌دهد که اشتغال مردان در بخشی صنعت ۲ درصد افزایش و اشتغال زنان در همین بخش ۱۹ درصد کاهش داشته است، اشتغال مردان در بخش خدمات ۵ درصد افزایش و زنان بیش از ۱۲ درصد کاهش داشته است. در همین مدت ترکیب جنسیتی جمعیت فعال مردان حدود ۲ درصد کاهش و زنان ۱۲ درصد افزایش داشته است، بعلاوه ترکیب جنسیتی جمعیت دانشجویان آموزش عالی دولتی پسران ۱۲ درصد و دختران ۱۴۰ درصد رشد داشته است. این ارقام برای دانشگاه آزاد ۳۹ درصد پسران و ۹۶ درصد دختران گزارش شده است.

به هر حال واقعیت‌هایی از این دست لزوم توجه هر چه بیشتر به مسأله اشتغال زنان و ایجاد بستر مناسب جهت ورود آنان به عرصه کار سالم و مولد را محرز می‌سازد.

وضعیت اشتغال زنان ایران

نزدیک به نیمی از جمعیت کشور را زنان تشکیل می‌دهند در حالیکه فقط ۹٪ از مجموع شاغلان کشور، زن هستند در طی سالهای ۱۳۵۵ تا ۱۳۶۵ به طور متوسط، هر سال ۱۱ درصد از میزان اشتغال زنان کاسته شده است و به این ترتیب از ۱۰۰ زن ده ساله و بالاتر، ۹۱ زن هیچگونه نقشی در فعالیتهای اقتصادی نداشته‌اند و تحت تکفل مردان خانواده (پدر، همسر، برادر و ...) زندگی کرده‌اند.

اما با تعمق در منابع متوجه می‌گردیم که اهمیت و ضرورت اشتغال زنان در جامعه سنتی ایران از چه زمانی جلوه‌گر گردیده است، بحران نیروی کار انسانی برای بازسازی کارخانه‌های تولیدی و شهرهای ویران شده پس از جنگ جهانی

دوم، به ویژه همراه باتلفات بی شمار مردها، کمبود نیروی انسانی را در بازار کار کشورهای صنعتی اروپا موجب گردید.

این بحران باعث شد که زن از چارچوب تنگ خانه‌نشینی به درآمده و دستش را به ماشین‌های تولیدی و به طور کلی بازار کار، هر چند با دستمزدی پایین‌تر از مردان بندکند.

با اختراع چپس و مدرنیزه کردن روبات‌ها، رشد میکرو الکترونیک و سپس با پیدایش کامپیوتر در کارخانجات ادارات دولتی و بخش خصوصی، دیگر کمتر مانعی برای تسخیر سنگرهای مردان توسط زنان دیده می‌شد.

برندگان مدرنیزه شدن جامعه‌های صنعتی، همان‌گونه که آمارها نشان می‌دهند، بی‌چون و چرا زنان هستند، زیرا در نسل جوانی که کار را با کامپیوتر آموخته است، دختران در مقایسه با پسران چه در زندگی شغلی و چه در زندگی خانوادگی، بهره‌مندتر و موفق‌تر خود را نشان داده‌اند.

این چیرگی زن در بازار کار به کشورهای مدرن ختم نمی‌شود، بلکه کمابیش در غالب جامعه‌های سنتی امروزی با تمام سوسازی‌های که سنت‌گرایان ایجاد کرده‌اند، به چشم می‌خورد.

از آن جایی که جامعه‌های سنتی عقب‌مانده به ویژه کشورهای نفت‌خیز مانند ایران، برای پیاده کردن برنامه‌های توسعه صنعتی و دولتی خود مجبور به استفاده از پروژه‌های نوسازی غرب هستند. لذا این پیوند صنعتی و بازرگانی با جوامع مدرن، اجرای اصلاحات اقتصادی و فرهنگی را به آنها تحمیل می‌کند.

اشتغال زنان در ایران را به صورت اداری، می‌بایست از دوره قاجاریه جستجو نمود، با انقلاب مشروطیت تحول عظیمی در شئون سیاسی و اجتماعی فرهنگی ایران، از جمله در وضعیت زنان این سرزمین به وجود آورد. بعد از انقلاب مشروطیت مقالاتی در دفاع از حقوق زنان در نشریات روز به چاپ رسید و علاوه

بر مشاغل قبلی زنان چون کشاورزی، دامداری، صنایع دستی و کوزه‌گری به ایجاد انجمن‌ها، انتشار روزنامه‌ها و مجله‌ها و تاسیس مدارس اشتغال ورزیدند. مدرنیزاسیون و گذار از مرحله سنتی به مدرنیته که از الزامات آن رشد و توسعه اقتصادی هر چند بصورت تدریجی و کند بوده است باعث تغییر تدریجی بخش‌های سنتی به بخش‌های نوین اقتصادی بوده است، که گذشته از ارتباط با عوامل اقتصادی، بستگی زیادی به تغییر طرز تفکر و نگرش‌های خانوار نسبت به کار خارج از خانه داشته است.

با تغییر ساختار خانواده در ایران و رشد مهاجرت و تشدید شهرنشینی و ملاً رشد کدام اقتصادی و اهمیت آن در خانوارهای شهری، توأم اقتصادی به عنوان عامل شوم و مزاحم از لحاظ اشتغال زنان، تبدیل به یک عامل مثبت و سازنده شده است. پدران و شوهران زیر بار گرانی روز افزون نسبت به اشتغال دختران و زنان خویش رغبت نشان می‌دهند تا بلکه به کمک درآمد دختر یا همسر، هزینه‌های ضروری خانواده بهتر تأمین بشود. دیگر سخن سنت‌های ضد اشتغال زنان زیر سلطه روز افزون احتیاجات فزاینده خانواده‌ها بی‌رمق شده و جای خود را به ضرورت اشتغال زنان سپرده شده است.

دستیابی به اهداف استراتژیک جامعه از قبیل کاهش نرخ رشد جمعیت، نیل به تعادل‌های اساسی جغرافیایی، کاهش شکاف درآمدی بین اقشار و گروه‌های مختلف جامعه، افزایش مشارکتهای آگاهانه سیاسی و اجتماعی در برنامه‌ریزی‌های توسعه اقتصادی و اجتماعی فرهنگی کشور، ریشه‌کن کردن بی‌سوادی و گسترش آموزش‌های فنی، حرفه‌ای، مالی، یا افزایش میزان اشتغال زنان و مشارکتهای اقتصادی آنان، رابطه تنگاتنگ و درهم تنیده داشته است.

از سویی توسعه مشارکت زنان در کلیه سطوح، شرط اصلی و اساسی برای رسیدن به هدف توسعه و رشد همه جانبه بوده است. بنابراین ایجاد مشاغلی هم سطح و مکفی برای کلیه زنان اهمیت خاصی داشته است.

منظور از مشارکت زنان را کارشناسان، درگیری زنان در فعالیتهای اقتصادی، پولی و غیر معیشتی و غیر خانگی یعنی فعالیتهای دستمزدی یا سودآور در بخش های نوین اقتصاد شهری اعلام می کنند.

انتخاب شغل از طرف زنان و ایجاد فرصتهای اشتغال و پذیرش زنان در مشاغل جدید از طرف جامعه نکته ای است که ریشه های عمیقی در طرز تفکر و برداشتهای جامعه از زن و توانایی ها و استعداد های او دارد. اعتقاد به نابرابری مردان و زنان از نظر قوای بدنی و فکری سبب شده است که درهای بسیاری از مشاغل به روی زنان بسته شود و حتی خود زنان نیز در بسته ماندن این درها بی تأثیر نیستند.

خصوصیت برجسته دیگر در مورد وضع اشتغال زنان، محدود بودن تنوع مشاغل زنان می باشد که پایین بودن سطح سواد و تخصص و مهارتهای زنان در مقایسه با مردان از عوامل آن می باشد.

علیرغم اینکه افزایش میزان مشارکتها و تصحیح الگوی مشارکت زنان همواره مدنظر سیاستگذاران در گفتارهای رسمی بوده است، در سالهای اخیر باعث شده است که شاهد افزایش بار تکفل مردان باشیم و با توجه به کدام رو به تزاید، فشارهای شدید اقتصادی و متلاطم شدن خانواده ها، اشتغال زنان اهمیت روز افزونی یافته است.

موانع اشتغال زنان

مرور مبنای نظری نشان می دهد که چه از لحاظ عقیدتی، چه از لحاظ قانونی و چه از لحاظ تاریخی، مانعی بر سر راه اشتغال زنان وجود ندارد و اکثریت به اتفاق صاحب نظران نظر مساعدی نسبت به اشتغال زنان دارند. سؤالی که در اینجا مطرح می شود این است که پس چرا وضعیت اشتغال زنان در ایران تا این حد اسفبار است و در آخرین رتبه های جدول کشورهای توسعه یافته قرار دارد؟

برای پاسخ دادن به این سوال موانع اشتغال زنان در ادبیات تحقیق جستجو می‌شود:

عمده منابع تحقیقی، عوامل بیرونی را از موانع عمده اشتغال دانسته‌اند: «الیزروی و سامانی» از نتایج تحقیق خود تحت عنوان بررسی وضعیت زنان بیکار جویای کار در استان فارس موانع ذیل را برای اشتغال زنان برشمرده‌اند: کمبود تولید، محدودیت نگرشی برای زنان، عدم وجود اماکن مناسب تربیت فرزندان، اولویت دادن به مردان و وجود افراد بیکار. «قاسمی اصفهانی» نیز سه دسته از موانع را برای اشتغال زنان در ایران قائل می‌باشد: تفکر مردسالار، موانعی که زنان خود برای خویش ایجاد کرده و می‌کنند و نابرابری تحصیلی در سطوح بالاتر.

«مختاریان» اقتصاد تک محصولی، شیوه تولید مسلط در کشور، تمرکز گرایی و اقتصاد دولتی کاهش تولیدات ملی، تنظیم بودجه با نگرش سرمایه‌داری دولتی، توسعه تکنوکراسی و اشتغال در دستگاه‌های دولتی، فقدان برنامه ریزی منسجم و مدرن برای اشتغال زنان، مشکل فرهنگی، مخالفت مردان با اشتغال زنان و عدم همکاری زنان با زنان شاغل، دستمزد پائین زنان نسبت به مردان، عدم تمایل کارفرمایان به پوشش بیمه‌ای زنان، رقابتهای کاذب در برخی محیط‌های کاری، هزینه زیاد مهد کودک و فقدان تشکلهای دولتی و خصوصی مناسب برای خود اشتغالی زنان را موانع عمده اشتغال زنان می‌دانند.

«مهابادی» مسایل ذیل را عمده ترین موانع اشتغال و مدیریت زنان در ایران دانسته است: حضور فرهنگ مسلط مدیریت مردان، روند تاریخی تبعیض جنسیتی، نادیده گرفتن توانایی‌های زنان در امور مدیریتی و عدم همکاری بانکها و مؤسسات اعتباری با زنان.

امینی مهمترین دلایل پایین بودن نرخ اشتغال زنان در بازار کار ایران را به شرح ذیل می‌شمارد:

نگرش جامعه نسبت به اشتغال زنان در برخی از فعالیتهای، توجیه اقتصادی نداشتن سرمایه گذاری برای نیروی کار زنان به دلیل احتمال ازدواج، زایمان و ترک کار از سوی آنان، قوانین و مقررات حمایتی از زنان که برای کار فرمایان مشکل ایجاد می‌کند پایین بودن بهره وری نیروی کار زنان به دلیل داشتن مسئولیتهای خانوادگی، برخوردار نبودن زنان از مهارتهای فنی و حرفه‌ای، نامناسب بودن محیط کار در برخی از فعالیتهای به لحاظ مسائل اخلاقی و سرانجام لزوم داشتن توانایی جسمانی بیشتر در برخی از فعالیتهای.

فرصتهای نابرابر شغلی و آموزشی، از مسائل مهم و تعیین کننده در مورد عدم دستیابی زنان به مشاغل گوناگون می باشد، زیرا نیازهای بازار کار عمدتاً حول و حوش مشاغل فنی و تخصصی می‌چرخد و شرایط به گونه‌ای است که کار فرمایان به صورت مرئی و نامرئی به استخدام و به کارگیری مردان گرایش دارند. از دیگر مشکلات اشتغال زنان ایران سیاستهای تعدیل اقتصادی می‌باشد که از سیاستهای سازمان تجارت جهانی WTO نشأت گرفته و به روند خصوصی سازی منجر گردیده است که از نتایج آن به تعطیلی واحدهای تولیدی ورشکستگی‌های کارخانجات و حراج اموال و دارایی‌های شرکتها می توان اشاره کرد که این فشارها ناامنی شغلی گسترده‌ای به خود می‌گیرد، زیرا زنان بیش از مردان با اخراج گروهی روبرو می‌شوند. ۱۳

بطور کلی در زنان رکود اقتصادی نیروی کار کمتری مورد نیاز است و در شرایط رکود و حالتی که کشور با بی‌کاری فزاینده و گسترده روبه رو بوده است. کار فرمای بخش عمومی و بخش خصوصی، ناچار از الویت دادن به استخدام و به کارگیری و ایفای مردان در مشاغل گوناگون بوده است.

شرایط دوران انقلاب و جنگ رویارویی امریکا و غرب باعث شده است که بسیاری از فعالیتهای و سرمایه‌گذاری‌های دولتی و خصوصی در خدمت اهداف دفاعی قرار گیرد و منابع غیرنظامی نیز راکد شود.

کمبود اعتبارات مالی بیسوادی گسترده، نداشتن اطلاعات در خصوص شیوه دریافت وام، نداشتن وثیقه ملکی برای تصدی پرداخت وام و عدم استقبال بسیاری از نهادهای وام‌دهنده به زنان از موانع خود اشتغالی زنان در عرصه اجتماع کنونی ایران می‌باشد زیرا نفس زن بودن، مانعی برای ورود به نظام اشتغالی بانکی می‌باشد. ۱۴

علیرغم اینکه قانون کار مصوب ۱۳۶۹، امور رفاهی زنان را به شدت مورد توجه قرار داده است، اما ذهنیت حاکم بر امور در محیط‌های کارگری به گونه‌ای است که در مجموع سه راه اشتغال زنان می‌باشد.

عامل مهم دیگر که از موانع عمده اشتغال زنان در ایران محسوب می‌گردد قانون ارث می‌باشد که محدودیت عمده‌ای برای مالکیت زمینهای کشاورزی و شهری برای زنان بوجود آورده است و مانع فعال شدن زنان روستایی و همچنین اشتغال زنان شهری گردیده است.

عدم خود باوری به عنوان مانعی بر سر راه اشتغال زنان

از مجموع مطالب فوق می‌توان دریافت که اکثر صاحب نظران موانع اشتغال زنان را در عوامل بیرونی جستجو کرده‌اند اما عده‌ای نیز نقش عوامل درونی را مطرح و مهم اعلام نموده‌اند که در حیطه کنترل زنان می‌باشند.

براستی خود زنان و باورهای درونی آنان هیچ مانعی بر سر راه مشارکت

اجتماعی و اقتصادی ایجاد نکرده است؟

از کیان و معتمدی می‌نویسند: اگر زنان باور شوند، می‌توانند در فعالیتهای

اقتصادی اجتماعی گامهای بلندی برداشته و جامعه خویش را به توسعه و پیشرفت سوق دهند.

سؤال این است که آیا وقتی زنان خود را باور نکنند می‌توان از بقیه انتظار

داشت آنان را باور کرد؟ ۱۵

البرزی و سامانی می‌گویند زنان جویای کار بیشتر تمایل به تصدی مشاغل دولتی دارند. از نتایج طرح بررسی وضعیت زمینه‌های شغلی زنان چنین نتیجه گرفته می‌شود که زنان شهری و روستایی مناسب‌ترین شیوه فعالیت شغلی را حقوق‌بگیری می‌دانند. ۱۶

زنان از لحاظ خصوصیات روانی، وابستگی شدید به کار دارند که در نتیجه عوامل اجتماعی و فرهنگی بوجود آمده است و شکل‌گیری هویت در دختران به سوی صمیمیت و در پسران در جهت استقلال و رقابت و فردیت است. علیرغم ویژگی‌های فوق، صاحب نظران به عدم خودباوری زنان و نیاز آنان به افزایش خودباوری اشاره نموده‌اند.

خودباوری یک پندار روانشناختی است که در طول دوران رشد در وجود هر کسی شکل می‌گیرد و به سادگی و سرعت قابل تغییر نیست.

در همین رابطه، بی‌انگیزگی زنان از قابل لمس‌ترین دلایل می‌باشد زنان با توجیهاتی از قبیل سرپرست خانواده بودن مردان و مسئولیت مرد در تامین خانواده نابرابریها را طبیعی قلمداد نموده‌اند و از سویی زنان شاغل و کارگر، کارکردن خویش را - نه شرایط کار را دلیل بر بد اقبالی و ضعف شوهران خود پنداشته و گروهی نیز در خیال و آرزوی شاهزاده‌ای سوار بر اسب سفید هستند تا بیاید و سیندرلاوار آنان را غرق در ثروت و سعادت سازد تا مجبور نباشند کار کنند ۱۷

یکی دیگر از عوامل بی‌انگیزگی و خودباوری زنان این مطلب می‌باشد که: هر چند بیکاری برای مردها بیهودگی و بی‌هدف بودن در زندگی تعبیر می‌گردد، لیکن در صورتیکه اگر زن شاغلی بیکار گردد می‌تواند نقش خود را بدون دشواری زیادی به عنوان مادر بچه‌ها و یا کد بانو باز یابد و در مقایسه با مردان چندان کمبودی در زندگی احساس نکنند.

نهایتاً اینکه تمایز جایگاه زن و مرد در اقتصاد و حماسه‌ها، هنر، زبان و فرهنگ خانه و خانواده، تحریم، ممنوعیتها، و دامنه مسئولیت همگی از دورانهای دیرینه آنچنان بر ذهنیت زنان لانه کرده است که این امر بر اکثریت آنان مشتبه گشته، بطوریکه آنرا بسان یک داده طبیعی و یا حداقل یک سرنوشت جا افتاده و محقوم می‌پندارند.

با شناخت موانع اشتغال زنان آنچه بیش از هر چیز خود را نشان می‌دهد این مسأله است که موضوع راه‌حلهای عاجل و زود هنگام می‌طلبد. حال سؤال این است که در این رابطه چه می‌توان کرد؟

مرور منابع نشان می‌دهد که کارآفرینی و اشتغال زنان در قالب شرکتهای تعاونی می‌تواند در این زمینه راهگشا باشد. اما قبل از هر گونه بحثی این سؤال بر ذهن متبلور می‌گردد که کارآفرینی چگونه مقوله‌ای است؟ و کارآفرینی زنان در چه قالبی امکان‌پذیر است؟

کارآفرینی و کارآفرینی زنان

واژه کارآفرینی از کلمه فرانسوی *Entrepreneur* به معنای تعهد نشات گرفته است. از کلمه کارآفرینی و کارآفرین تعاریف مختلفی شده است که در هر یک از آنان این مفهوم ابعاد خاصی پیدا می‌کند. پاره‌ای از این تعاریف به شرح زیر است:

کارآفرینی عبارتست از فرآیند ایجاد ارزش از راه تشکیل مجموعه منحصر به فردی از منابع به منظور بهره‌گیری از فرصتها. ۱۹

کارآفرینی تلاشی است برای ایجاد ارزش از طریق شناخت فرصتهای شغلی، مدیریت ریسک مناسب با فرصتها و از طریق مهارتهای مدیریتی و ارتباطی به منظور بسیج منابع انسانی، مالی و جنسی که مدیران برای به ثمر رسیدن و تحقیق یک پروژه لازم است. ۲۰

کارآفرینی در جوامع مختلف با توجه به تنوع فرهنگی متنوع است، لذا کار آفرینی به عنوان یک فعالیت تجاری مشتمل بر اشتراک رفتارهای زیر است: تأسیس یک واحد تجاری جدید.

مدیریت عمومی: جهت گیری مدیرانه یک فعالیت تجاری یا تخصیص منابع بر آن نوآوری: بهره‌برداری تجاری از کالا، فرآیند، بازار، مواد اولیه یا سازمان جدید مخاطره‌پذیری: قبول مخاطره ناشی از زیان یا شکست بالقوه یک واحد تجاری ۲۱ بر اساس تعاریف فوق کارآفرین فردی است که فرصت و ارایه یک محصول، خدمات، روش و سیاست جدید را با راه تفکر جدید برای یک مشکل قدیمی می‌یابد. کارآفرین فردی است که می‌خواهد پیامد اندیشه، محصول یا خدمات خود را بر نظام مشاهده کند. یا کارآفرین کسی است که نهادهای اجتماعی و اقتصادی را دگرگون می‌سازد، همچنین کار آفرین به شخصی می‌گویند که بهترین و آخرین موقعیتهای اقتصادی و تجاری را کشف می‌کند و روش استفاده از این فرصتها را می‌داند. این فرد معمولاً دارای استعداد، خلاقیت، ابتکار، سازماندهی و مدیریت در سطح بالایی است.

بطور کلی کارآفرینی: فرایند خلق ابتکارها و نوآوریها و ایجاد کسب و کارهای جدید در شرایط خطر خیز از طریق کشف فرصتها و بهره‌گیری از منابع باشد. کارآفرین کسی است که باکشف و شناخت فرصتهای محیطی و بهره‌گیری مناسب از منابع بتواند در شرایط پرابهام و ریسک‌آمیز به ابتکارات و نوآوریها و ایجاد کسب و کار جدید دست یابد.

به عنوان مثال، کسی که شرایط پر ابهام اقتصادی توانسته است یک شرکت بازرگانی و یا یک شرکت تولیدی صنعتی را راه‌اندازی کند. و یا کسی که علی‌رغم موانع اجتماعی و محدودیتهای خانوادگی، کارگاه تولید پوشاک یا تولید فرش دستی ایجاد نماید. و بالاخره کسی که توانسته است یک شرکت تعاونی تولیدی یا خدماتی تأسیس نماید جملگی کارآفرین محسوب می‌شوند. ۲۲

ویژگی‌های کارآفرینان

مطالعات انجام شده در مورد کارآفرینان نشان می‌دهد که آنان دارای صفات و ویژگی‌هایی هستند که نقش آنان را از سایرین متمایز می‌سازد و به عبارتی با اتکاء به آن ویژگی‌ها می‌توان به کارآفرینی دست زد.

۱- خودباوری:

کارآفرینان به یک استعداد قوی در درون خویش که می‌توانند بر اساس آن در محیط پیرامون خود تغییر ایجاد کنند، آگاهی و اطمینان کامل دارند. این اعتماد به نفس، آنها را در صاحب انگیزه‌ای پایان‌ناپذیر، شخصیتی منحصر به فرد و دارای استقلال فکر و عقیده می‌نماید. و نیاز به استقلال از ویژگی‌های است که به عنوان یک نیروی بسیار بر انگیزنده در مورد تاکید کارآفرینان می‌باشد.

۲- ریسک‌پذیری:

کارآفرینان با اشراف به شرایط پرابهام و مخاطره‌آمیز فعالیت خود، به خلق و ایجاد دست می‌زنند و خطرات را در ایده‌های خود محاسبه می‌کنند و طور کلی در مواجهه با ابهامات و مخاطره، پویایی و خلاقیت آنان در فرایند کارآفرینی ظهور پیدا می‌کند، و به تعبیری دیگر کارآفرینان قادرند بدون احساس تردید یا ناراحتی، شرایط و اطلاعات مبهم، ناقص، غیرقطعی، سازمان نیافته و غیر شفاف را به نفع خود تغییر دهند.

۳- میل به نتیجه:

کارآفرینان دارای خصوصیت انگیزه اکتساب ناeh بوده و کار را به خاطر حسن انجام کار و نه به خاطر پاداش و قدردانی انجام می‌دهند.

۴- خلاقیت:

کارآفرینان همیشه به ابتکارات و خلق ایده‌های جدید دست می‌زنند که این ایده‌ها به محصولات یا خدمات جدید منجر می‌شود، ارزشها را تغییر می‌دهد و ماهیت آنها را دچار تحول می‌سازند

۵- هدایت و رهبری:

کارآفرینان با داشتن نفوذ کلام، قابلیت قانع ساختن دیگران و اثرگذاری دیگران و عموماً دارای قدرت سازماندهی و هدایت و جهت دادن منابع در شرایط جدید و تصمیم‌گیری در هر شرایطی می‌باشند. همواره انعطاف‌پذیر بوده و در جستجوی راه‌حل‌های جایگزینی هستند.

۶- آینده‌نگری:

دارای قدرت درک شرایط آینده و شناخت تحلیلی مسایل محیطی هستند. آنها همواره به فکر اهداف بلند مدت خود می‌باشند و اهداف آنان معمولاً عادی نیست، به همین دلیل دیگران آنان را بلند پرواز می‌دانند. ۲۲ تفاوت زنان کارآفرین با مردان کارآفرین

تحقیقات نشان می‌دهد که زنان و مردان کارآفرین هر دو به دلیل: احساس نیاز به کسب و کار و استقلال فردی وارد عرصه کار آفرینی شده‌اند در بسیاری از موارد هر دو تحت تاثیر ناکامی یا عدم رضایت از شغل قبلی فرد و یا نیاز به تغیر محیط پیرامونی خود قرار گرفته‌اند. هر دو هدفمند پر شور و پرانرژی هستند. اما از جهات دیگر تفاوت‌هایی بین آنان وجود دارد که به اختصار به شرح زیر است:

۱- انگیزه کارآفرینی:

از برخی جهات زنان کارآفرین دارای انگیزه متفاوت با سطوح مهارتی متغیر و سوابق کاری مختلف نسبت به هم‌تایان مرد خود هستند عوامل آغاز به کار بویژه از لحاظ سیستم‌های حمایتی، منابع مالی و مشکلات زنان، مردان در کارآفرینی متفاوت است، زنان بر خلاف مردان برای کسب استقلال و ناکامی از شغل قبلی خود برانگیخته می‌شوند در خصوص تغیر مکان شغل قدیم به موقعیت جدید، برای مردان آسانتر می‌باشد. در حالیکه زنان هنگامی که یک شغل را ترک می‌کنند که به درجه بالایی از ناکامی و افسردگی و شوق وافر در جهت مخاطره ای جدید رسیده باشند و این امر تغیر شغل را خیلی مشکل می‌سازد.

خود اشتغالی در حقیقت آخرین دستاورد زنان است و از دلایل این خود اشتغالی که عنوان می‌شود این است که با انجام این کار شخص از تسلط مردان بر زندگی خود می‌کاهد.

همچنین وجود پدیده سقف شیشه‌ای عاملی در جهت سوق دادن زنان از موقعیت‌های مدیریتی به سوی خود اشتغالی می‌باشد.

۲- نقطه شروع:

تحقیقات نشان می‌دهد که مهمترین انگیزه زنان کارآفرین برای شروع کار جدید احتیاج به انجام کار، نیاز به پیشرفت، نیاز به احساس رضایت از کار و کسب درآمد بوده است، مشکل اساسی آنها در شروع کار، تبعیض موجود در اعتبار و مشکل بعدی بازآزمایی بوده است.

زنان بطور عمده از تجارب کاری سابق خود ناراضی بوده و به پدیده خود اشتغالی به منزله محلی برای کاستی از تداخل وظایف شخصی و شغلی می‌نگریسته‌اند و علاقمند بودند که کیفیت محصول یا خدمت خود را به عنوان یک امتیاز رقابتی افزایش دهند.

۳- منابع مالی:

مردان علاوه بر سرمایه خصوصی، از سرمایه گذاران، وام بانکی یا قرض شخصی به عنوان منبع تامین سرمایه سود می‌جویند اما زنان تقریباً در تمام موارد، تنها متکی به دارایی شخصی یا پس انداز خود هستند.

۴- سوابق حرفه‌ای:

هر چند هر دو دسته، صاحب تجربه در زمینه کار هستند، اما مردان اغلب صلاحیت بیشتری در بسیاری از فنون کاری دارند، بعلاوه طبیعت کارهای مردان کارآفرین، اغلب در زمینه بنگاه داری، امور مالی و مسائل فنی است در حالیکه زنان تجربه اداری اکثر آنان محدود به مدیریت سطوح متوسط در خدماتی مانند آموزش و پرورش و یا مشاغل خرده فروشی است.

۵- ویژگی‌های شخصیتی:

تحقیقات نشان می‌دهد که مردان اغلب دارای اعتماد به نفس بیشتر و ملایمت و انعطاف کمتری نسبت به زنان همتای خود هستند که این می‌تواند باعث اتخاذ سیاست‌های مدیریتی مختلف شود. زنان کارآفرین از لحاظ رفتار و طرز فکر با مردان کارآفرین تفاوت داشته و بیشتر مایل به استفاده بهینه از فرصت‌ها بوده و در روش‌های نوآوری خود دارای قابلیت سازگاری بیشتر هستند. ۲۴ در تحقیقات دیگری که دکتر کمکی و غیره انجام داده‌اند نتایج زیر بدست آمده است:

- ۱- زنان کارآفرین نسبت به مردان اعتماد به نفس کمتری دارند
- ۲- علیرغم اعتقاد قلبی که زنان بیشتر به وابستگی احتیاج دارند، نیاز به پیشرفت مدیران زن هم طراز مدیران مرد است ولی نیاز به پیشرفت زنان کارآفرین بیشتر از زنان مدیر است.
- ۳- زنان برعکس مردان به مردم به چشم وسیله‌ای برای رسیدن به هدف نگاه نمی‌کنند و بازخوردهای منفی آن طور که مردان به راحتی واکنش نشان می‌دهند، زنان از خود عکس‌العمل بروز نمی‌دهند.
- ۴- آینده‌نگری و ریسک‌پذیری مردان نسبت به زنان بیشتر است. ۲۵

موانع کارآفرینی زنان

سازمان بین‌المللی کار در سال ۱۹۹۸ موانع کارآفرینی زنان را بصورت زیر دسته‌بندی کرده است:

- ۱- موانع رفتاری: زنان اعتماد به نفس کمتری و تصویری منفی از خود دارند
- ۲- موانع ایفای نقش: تعارض بین وظایف مختلف (از جمله وظایف خانوادگی) با محدودیت‌های زمانی.

۳- موانع اجتماعی و فرهنگی: مانند دید منفی نسبت به زنان در کار، محدودیت‌هایی بر حسب نوع شغل انتخابی، کمبود حمایت خانوادگی، کمبود تغییرپذیری و غیره بوجود می‌آورد.

۴- موانع تحصیلی: زنان بطور نسبی از سطوح تحصیلی پایین‌تری نسبت به مردان برخوردارند و اغلب دسترسی محدود به فرصت‌های آموزش شغلی دارند.

۵- موانع شغلی: زنان فرصت‌های کمتری در بخش رسمی اقتصاد برای پیشرفت مهارت‌های خود دارند.

۶- موانع زیر بنایی، دسترسی به اعتبار، فن‌آوری، خدمات حمایتی، زمین و اطلاعات، به طور اصولی برای زنان مشکل‌تر است.

۷- موانع قانونی: فعالیت قانونی مستقل برای زنان محدود است

در تحقیق دیگر موانع و مسائل کارآفرینی زنان به شرح ذیل اعلام گشته است:

در جامعه مرد سالار: اکثر مردم در جوامع در حال توسعه براین باورند که زنان از لحاظ جسمانی ضعیف و کارشان خانه داری است. فقدان اعتماد به نفس و عدم تشویق زنان توسط خانواده ها، فقدان انگیزه، نگرش محافظه کارانه زنان، مقاومت در برابر تغییر، محدودیت‌های تحرک‌پذیری اقتصادی - عدم توانایی زنان در فراهم کردن یک وثیقه تضمین شده جهت راه‌اندازی یک فعالیت کارآفرینی نگرش منفی بانکها و موسسات مالی به زنان- فقدان تجربه تجاری در زنان کارآفرین، باورهای سنتی درباره کار زنان خارج از خانه تبعیض در نوع تربیت که حاصلش در جریان تجربه توانمند شدن و ابتکار تصمیم‌گیری قرار نمی‌گیرد. ۲۶

بررسی انجام شده و نتایج حاصله از موانع کارآفرینی زنان نشان دهنده آنست که زنان با موانع متعدد خانوادگی و فرهنگی و اجتماعی مواجه می‌باشند.

بنابراین برای توسعه کارآفرینی آنان لازم است مانع و فرصت‌ها را شناخت و آنها را ر نظر داشت، در انجا توجه به دو نکته ضروری است:

۱- نگرش به زن به عنوان انسانی اجتماعی، مسئول و خلاق:

دیدگاه تاریخی ناشی از حاکمیت فرهنگ مردسالاری و استبداد و رسوب آن در شرایط امروز اجتماع، هنوز نتوانسته است این را به طور کامل به منصفه ظهور رساند که زن به عنوان جنس دوم، موجودی اجتماعی، خلاق و مسئول آفریده شده است. خداوند در قرآن، انسان را مسول شناخته و در متن آیات متعدد، زن را در کنار هم و یکسان، مسئول سرنوشت و هدایت خود و جامعه معرفی کرده است.

۲- اهمیت ویژگی های عمومی زنان کارآفرین:

دو عنصر مسلمان بودن و ایرانی بودن، به همراه خود، فرهنگ، آداب و سنن، روحیات و شرایطی را برای زنان کارآفرین پدید می آورد که لاجرم درکسب و کار او اثر خواهد گذاشت. از این رو باید زنان کارآفرین ایران می بایست به واقعیت های نشأت گرفته از این مذهب و ملیت توجه نمایند ۲۷

موانع گذشته و موجود زنان کارآفرین، صاحب تران را به تامل وا داشته است که به فکر چاره جویی برای ایجاد راههایی جهت حذف و یا کاهش انداخته است و این سوال را مطرح می نماید که الگوی مناسب جهت توسعه کارآفرینی زنان ایران، می تواند تقویت سازمانهای غیر دولتی و تفاوت های زنان باشد یا خیر؟

تعاونی های کارآفرینی زنان

کارشناسان در تعیین هویت زن ایرانی به عنوان یک عامل انسانی -

اقتصادی به گونه های سه گانه ذیل برخورد کرده اند:

۱- زنان بدون مهارت و بدون سرمایه

۲- زنان دارای سرمایه و بدون مهارت

۳- زنان دارای سرمایه اندک و مهارت لازم

با عنایت به اینکه در امور اقتصادی، سرمایه برای بهره گیری از نیروی

انسانی از ضرورت خاصی برخوردار است، بهترین شیوه تجمع سرمایه و مهارت

با توجه به ضعف بنیه مالی، خصوصاً در کشورهای در حال توسعه، یافتن راهی برای تجمع سرمایه‌های کوچک و بهروری زنان در مسیر اقتصادی سازنده است. در این راستا، حمایت از تشکیل تعاونی‌های تخصصی، صنفی، تولیدی، توزیعی و... می‌تواند کمک مؤثری در این امر باشد و سرمایه‌های پراکنده و فعالیتها را در مسیر صحیح هدایت نماید. علاوه بر ایجاد اشتغال و کسب در آمد در نمودارهای اقتصادی جایگاهی برای فعالیت زنان به عنوان کارآمد را منظور شود.

چنین به نظر می‌رسد که فعالیت اقتصادی در قالب تعاونی‌ها، به دلیل تأثیر مثبت در عوامل چهارگانه تولید می‌تواند از سایر شیوه‌ها کارآمدتر باشد، بطوری که با تجمع سرمایه‌های خود مؤسسان تعاونی، سرمایه لازم برای تولید فراهم شده، نیروی کار مورد نیاز یا شکل گرفتن تعاونی تأمین و بالاخره مدیریت لازم برای تعاونی بهینه با گردآمدن تخصص‌های مختلف در قالب تعاونی در فهرست فعالیت اقتصادی قرار گیرد. در این میان، شاید به جرات بتوان تأثیر تعاونی‌ها در حل بحران اشتغال را مهمترین و محسوس‌ترین کارکرد تعاونی‌ها به شمار آورد. حال این سوال مطرح می‌گردد که تعاونی چیست و تعاونی زنان چگونه تشکیلی می‌باشد و کارآفرینی در قالب تعاونی زنان چگونه میسر خواهد شد؟

تعاونی و تعاونی زنان

تعاون به معنای وسیع و عام آن همانا، همکاری و مشارکت دسته جمعی مردم در حل مشکلات اقتصادی و اجتماعی آنهاست.

بطور کلی مردم در زندگی خود با مشکلات زیادی روبرو می‌شوند و برای حل این مشکلات هیچ فردی دارای توانایی و امکانات مناسب و کافی نیست، بنابراین برای داشتن زندگی بهتر، باید مردم با یکدیگر و با مشورت همدیگر، مشکلات و مسائل را حل نمایند. تعاون یکی از راههای شناخته شده برای حل مشکلات زندگی است زیرا با کار گروهی و مشورت، مشکلات و مسائل انسان راحت‌تر حل خواهد شد.

فلسفه ایجاد تعاونی دارای قدمت طولانی است و این همکاری‌ها از زمانهای گذشته برحسب ضرورت زندگی اجتماعی و به صورت غیررسمی وجود داشته است. اما نهادهای که امروزه به اسم شرکت تعاونی شکل گرفته‌اند و حالتی رسمی و علمی دارند با همکاری سنتی پیوند می‌خورند.

درباره شرکت‌های تعاونی تعاریف متعددی صورت گرفته است که به تعریف اجمالی بسنده می‌شود:

تعاونی مؤسسه‌ای است که از طرف اعضای سازمان یافته ایجاد می‌گردد و توسط خود آنها اداره می‌شود و به تدارک و ارائه خدمات به اعضا به قیمت تمام شده می‌پردازد. به عبارت دیگر شرکت تعاونی سازمانی است اقتصادی، اجتماعی که از تجمع آزادانه و داوطلبانه افراد به منظور مشارکت هر چه بیشتر در فعالیتهای خاص، برای رسیدن به هدف مشترک اعضا به وجود آمده است. ۲۰ هدف از تشکیل تعاونی‌های، استفاده از نیروی فردی اعضا در همکاری جمعی تا حدی که در یک نظام پیشرفته تعاون، اعضای تعاونی‌ها برای رفع حوائج خود به هیچ‌کسی، حتی دولت محتاج نباشد.

بنابراین، تشکیل یک شرکت تعاونی بدین معنی است که تجمع نیروهای فردی، وقت، انرژی و سرمایه انسانها مؤسسه‌ای بوجود می‌آید که قادر است برای همه اعضا خدماتی انجام دهد که هر یک به تنهایی قدرت انجام آن را نداشته‌اند. در دنیای پر رقابتی که شرکتهای کوچک هستند که نه تنها از جریان شکل‌گیری و فعالیت آن بی‌خبرند، که تصمیم‌گیری اصلی در آن با مردان خانواده است.

واقعیت این است که عضویت در این تعاونی‌ها نه تنها موجب فعالیت مؤثر بانوان نمی‌شود بلکه انگیزه تلاش را در آنها از بین خواهد برد. ۲۲

لذا عضویت صوری و عدم اشتغال زنان در فعالیتهای اقتصادی می‌تواند مشکلی بر سر راه توسعه کشور تلقی گردد، و توجه به مشارکت زنان به عنوان

جزء اصل سیاست توسعه به طور اجتناب‌ناپذیری مارا به اصل تعاون و اشتراک مساعی می‌کشاند.

آنچه حائز اهمیت است این می‌باشد که زنان در فرایند اشتغال در تعاونی‌ها باید شغلی را انتخاب کنند که مناسب با روحیه و سرشت آنها باشد و شرکتهای تعاونی زنان که یک تشکل مردمی محسوب می‌شود که می‌تواند با شرایط ساده‌تری برای بانوان ایجاد اشتغال نموده و زنان ار توانمندیهای خویش برای رشد و توسعه توانمندیهای اجتماعی و اقتصادی خود و جامعه بهره‌بردار می‌کنند.

مشکلات تعاونی‌های زنان

در حال حاضر تعاونی‌های زنان با موانع و مشکلاتی روبرو می‌باشد که اجمالاً به بررسی آنها می‌پردازیم.

۱- عضویت صوری زنان در تعاونی‌های خانوادگی که موجب عدم فعالیت و از بین رفتن انگیزه زنان می‌گردد.

۲- تعاونی‌های زنان با مشکل کمبود نیروی متخصص و علاقمند به عضویت در اینگونه تعاونیها روبرو هستند، کم سواد و فقدان تخصص لازم باعث می‌شود اعضای این تعاونیها امکان مدیریت صحیح شرکتهای تعاونی را از دست بدهند.

۳- سطح اشتغال زنان در رشته‌های مولد و فنی حرفه‌ای نسبت به مردان بسیار پایین است و این بر نتیجه کار تأثیر جدی دارد.

۴- زنان درمسئله آموزش نیز با مشکل جدی مواجه هستند، محدودیت آنها در دستیابی به آموزشهای تخصصی و شغلی باعث می‌شود آنها از موفقیت کمتری در حوزه عمل برخوردار شوند.

۵- حضور اندک زنان در مشاغل مدیریتی، مراجع تصمیم‌گیری قانونگذاری و سیاست‌گذاری باعث شده است مسائل زنان در مرحله قانونگذاری نادیده گرفته شود یا چندان مورد توجه قرار نگیرد.

۶- به دلایل متعدد فرهنگی، اجتماعی، سیاسی، منابع قدرت از دسترس زنان دور هستند، این معضل باعث پایین بودن توان اقتصادی بانوان برای شروع فعالیت اجتماعی می‌شود.

۷- تعاونی‌های زنان با ضعف سرمایه‌گذاری روبرو هستند، می‌بایست پس از شروع فعالیت این شرکتها، از سوی یک سیستم حمایتی و منظم یاری شوند.

۳۳

۸- بالا بودن هزینه‌های انتقال اعتبار برای وام‌گیرنده، فقدان وثایق مالی جهت اخذ تسهیلات بانکی

شرکت تعاونی زنان کارآفرین

از آنجا که فعالیت تعاونیها هم بر رشد شخصیت زنان تأثیر گذارده و هم تحت تأثیر کنشهای متأثر از نوع شخصیت و جهان بینی فرد است مشارکت زنان در قالب تعاونیهای زنان کارآفرین مزایای ذیل را برای آنان به دنبال دارد.

فردگرایی در برابر عاطفه‌گرایی، جهت‌گیری جمعی در برابر جهت‌گیری فردی، عام‌گرایی در برابر خاص‌گرایی، فعال‌گرایی در برابر انفعال‌گرایی.

از سویی چون ساختارهای تعاونی‌ها به گونه‌ای است که در صورت فعالیت زنان، آنان می‌توانند در بخشهای مدیریتی، برنامه‌ریزی و اجرای فعال باشند، و این موضوع کمک خواهد کرد تا زنان با در نظر گرفتن کلیه عواملی که موجب شده زنان خانه‌دار و متخصص در بخشهای اقتصاد نقش مهم و مرئی ایفا نکنند، در این بافت اقتصادی محک زده شوند.

بر همین اساس توصیه می‌گردد که برای اشتغال مولد زنان و کار آفرینی زنان لازم است سیاستی اتخاذ شود تا زنان نقش اصلی خود را در تولید ناخالص ملی بازیابند و برا تقویت روحیه تعاون و مشارکت زنان در فعالیت‌های اقتصادی باید فرهنگ تعاون را گسترش داد و از اهرم‌های حمایتی و تشویقی استفاده نمود. همچنین تعاونی‌ها را می‌توان راهکار مناسب با روحیه و وضعیت زنان برای حل مشکل اشتغال و مشارکت آنان ذکر نمود.

بطور کلی اشتغال زنان در بخش تعاون و در قالب شرکت‌های تعاونی نه تنها می‌تواند در زمینه بهبود خودباوری و اعتماد به نفس آنان راهگشا باشد، بلکه به دلیل انعطاف‌پذیر بودن ساختار فعالیت به شیوه تعاون بسیاری از مشکلاتی که در زمینه اشتغال برای زنان وجود دارد، تخفیف می‌یابد.

نتیجه

مرور منابع نشان داد که علاوه بر مشکلات و نارسایی‌های جهانی در زمینه اشتغال زنان در کشور ایران این مشکلات علی‌رغم عدم موانع اقتصادی، قانونی و فرهنگی، مضاعف است. به طوری که درصد ناچیز اشتغال زنان در ایران، این کشور را در آخرین رده‌ها حتی در میان کشورهای در حال توسعه قرار داده است.

بررسی موانع اشتغال زنان این فرضیه را به ذهن می‌آورد که شاید برخلاف اکثریت آراء عوامل درونی و به ویژه عدم خودباوری و اعتماد به نفس، مانع مهمی بر سر راه اشتغال بهینه زنان باشد.

از سوی دیگر، با وجود رشد ناگهانی جمعیت دانشجویان دختر و افزایش تقاضا برای اشتغال از سوی زنان به دلایل مختلف، سیاست کاهش تصدی‌گری دولت، خبر از کمبود جدی وضعیت‌های شغلی در بخش دولتی دارد.

بخش خصوصی نیز به نظر نمی‌رسد کشتش لازم برای جذب خیل عظیم زنان کار جو را داشته باشد. در این میان رویکرد کارآفرینی و ترویج فرهنگ آن رویکرد مناسبی به نظر نمی‌رسد. اعتماد به نفس و خودباوری از جمله پیش نیازهای قطعی کارآفرینی می‌باشد.

در منابع متعددی اشتغال به شیوه تعاونی و تشکیل شرکتهای تعاونی بانوان، از جمله راهکارهای مناسبی برای افزایش خودباوری و اعتماد به نفس در زنان و بهبود سطح اشتغال آنان می‌باشد.

در این زمینه بجاست که دولت ضمن تدوین برنامه‌های کارشناسانه و مدون موجبات تشویق زنان به ویژه زنان فارغ‌التحصیل دانشگاهی را به تشکیل شرکتهای تعاونی به طرق مختلف فراهم سازد و از شرکتهای تعاونی موجود حمایت‌های لازم را بعمل آورد تا سایر زنان تشویق به این امر شوند.

کتابنامه

-احمدپورداریانی، محمود، (۱۳۷۷). طراحی و تبیین الگوی پرورشی مدیران کارآفرین در صنعت - رساله دوره دکتری (دانشگاه تربیت مدرس، دانشکده علوم انسانی) تابستان.

-احمدی خراسانی، نوشین و... دیگران، (۱۳۸۳) و فصل زنان. تهران: انتشارات روشنگران و مطالعات زنان.

-بنده‌زاده، خسرو، (۱۳۸۲). هم‌برابری زن و مرد. تهران: انتشارات روشنگران و مطالعات زنان.

-حجازی، عالی، (۱۳۸۴). خشم زنان. تهران: انتشارات روشنگران و مطالعات زنان.

-صابر، فیروزه، (۱۳۸۲). راههای توسعه کارآفرینی زنان در ایران. تهران: انتشارات روشنگران و مطالعات زنان.

صمد آقایی، جلیل، (۱۳۷۷). شناخت بسترسازی مناسب برای جذب و رشد کارآفرینان، پایان‌نامه دوره کارشناسی ارشد مدیریت اجرایی سازمان مدیریت صنعتی، تابستان.

- سالازا، ملیتو، (۱۳۷۶). مقدمه‌ای بر کارآفرینی. ترجمه سیامک نطق. تهران: سازمان بهره‌وری ملی ایران.

- کار، مهرانگیز، (۱۳۸۲). زنان در بازار کار ایران. تهران: انتشارات روشنگران و مطالعات زنان.

- کار، مهرانگیز، (۱۳۷۶). حقوق سیاسی زنان ایران. تهران: انتشارات روشنگران و مطالعات زنان.

- کشاورز، ناهید. حریم حساس اشتغال زنان. تهران: محله فرهنگ توسعه، سال ششم ویژه زنان، ۱۲

- گالبرایت، جان کنت، (۱۳۷۱). آناتومی قدرت. ترجمه محبوبه مهاجر. تهران: سروش.

- گیدنز، آنتونی، (۱۳۷۳). جامعه‌شناسی. ترجمه منوچهر صابری. تهران: نشر نی.

- علاءفر، صدیقه، (۱۳۷۶). نمونه‌های از تصویر زنان در عملکرد ملی اشتغال زنان و کارگاه آموزشی زنان - مردان و برنامه‌ریزی برای توسعه - صندوق حمایت از فرصت‌های شغلی ۱۶-۱۷.

- علاءفر، صدیقه، (۱۳۷۶). خود اشتغالی - کار برای خود مجموعه متون آموزشی - شماره ۵۰ مؤسسه کار و تأمین اجتماعی

- محسنی، مریم، (۱۳۷۶). وضعیت زنان کارگر: حقوق و جنسیت. مجله فرهنگ و توسعه، سال ششم ۱۲، ویژه زنان

- محمدپور، مجید، فمینیسم از آغاز تا امروز. تهران، مجله زن روز شماره ۱۵۸۰-

- محمدپور، فلوریا. در شرکت تعاونی زنان، زن بودن امتیاز است. تهران: مجله تعاون شماره ۱۳۸۵، ۲۶۴.

- محمدی اصل. جنسیت و مشارکت. تهران: انتشارات روشنگران و مطالعات زنان، ۱۳۸۲.

- محمدی اصل، عباس. موانع توانمندی زن ایرانی در عرصه مشارکت سیاسی. تهران: روزنامه ایران سال هفتم شماره ۱۷۷۳، ۲۰/۱/۱۳۸۰.

مصفا، نسرین، (۱۳۷۵). مشارکت سیاسی زنان در ایران. تهران: انتشارات وزارت امور خارجه.

- موسوی، نسترت. سیری در مرد سالاری. تهران: مجله فرهنگ و توسعه، سال ششم، ویژه زنان، ۱۲/۱۳۷۶.

- نستعین، نسرین. (۱۳۸۴). اشتغال زنان، خودباوری و تعاون. تهران: مجله تعاون شماره، ۱۶۷.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی